



**اطلاعیه**

**هموطنان عزیز!**

کشور ما در لحظه کنونی در وضع فوق العاده ای قرار دارد. در این اوضاع تشنج آمیز که سران رژیم "ولایت فقیه" به علت عدم اجرای قطعنامه های آژانس بین المللی اتمی سازمان ملل و شورای امنیت عملاً در مخالفت با ضروریات اجرای قطعنامه ها و ادامه مذاکره در زمینه برنامه اتمی خود قرار گرفته اند. این روش زیان بار روحانیون حاکم در عمل تمامیت ارضی و استقلال میهن ما را در معرض مخاطرات جدی قرار می دهد و در واقع آب به آسیاب امپریالیسم و ارتجاع منطقه می ریزد و به امپریالیستها امکان می دهد که از آن به سود منافع خود بهره گیری نمایند و زمینه را برای مقاصد شوم خویش فراهم کنند تا رژیم دست نشاندۀ خود را بر ملت ایران تحمیل کنند. هم اکنون به موازات اعمال تحریم های اقتصادی علیه رژیم انواع توطئه ها و تحریکات نظامی در حال تدارک است.

در چنین شرایطی برای درهم شکستن دسائس و توطئه های امپریالیسم آمریکا و مبارزه برای براندازی رژیم "ولایت فقیه" و طرد حاکمیت روحانیون که زیان های جبران ناپذیری را به میهن ما وارد ساخته است. اتحاد نیروهای ضدامپریالیست و ضداستبدادی و میهن پرست مهمترین ضرورت مبرم در لحظه کنونی در میهن ماست.

ما مبارزان توده ای در این شرایط حساس امیدواریم همه مبارزان راه آزادی، استقلال و ترقی ایران موفق شوند جبهه مشترک را در برابر توطئه امپریالیستی و رژیم خودکامه "ولایت فقیه" به وجود آورند.

8 ژانویه 2012 – 18 دی ماه 1390

**همبستگی با خلق های سوریه و ایران**

در پشتیبانی از خلق های ایران و سوریه در مقابل خطر تجاوز نظامی آمریکا و کشورهای عضو پیمان نظامی "ناتو" فراخوانی در 3 ژانویه 2012 – 13 دی ماه 1390 از جانب هواداران جنبش صلح در آلمان در حمایت از مردم ایران و سوریه منتشر گردیده است و بسیاری از دانشگاهیان، فلاسفه، سیاستمداران، نویسندگان، هنرمندان، ناشرین،

**در صفحات دیگر:**

- اطلاعیه
- فراخوان – همبستگی با خلق های سوریه و ایران
- قسمت دوم – سیاست و مشی حزب توده ایران در مرحله کنونی (احمد قره باغی)
- وظایف حزب ما در مرحله جنبش دموکراتیک و ضد استبدادی کنونی کشور ما
- مبارزه در راه آزادی و دموکراسی و طرد رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" در لحظه کنونی
- وظایف حزب ما در مرحله پیروزی انقلاب دموکراتیک (اهداف استراتژیک)
- در ایران در نتیجه تشدید تحریم اقتصادی احتمال وقوع چه رویدادهایی وجود دارد؟
- از ایران چه خبر
- تشدید اختلاف ها در حاکمیت

پزشکان، وکلای مجلس و دیگر ائتلاف مردم این فراخوان را امضا کرده اند. متن این فراخوان از این قرار است:

"ایالت متحده آمریکا همراه با دیگر کشورهای ناتو و اسرائیل، ایران و سوریه را با تهدیدهای مکرر جنگی، با استقرار نیروهای نظامی در جوار مرزهای این دو کشور و همچنین با اقدامات خرابکارانه و اعمال تروریستی توسط "واحدهای ویژه" که به صورت غیرقانونی وارد کشور شده اند، به حالت اضطراری کشانده است تا این دو کشور را از پای درآورد. ایالت متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به گونه ای اهانت بار و ضدانسانی می کوشند تا از طریق تحریم، تجارت خارجی و مراودات ارزی این دو کشور را به صورت برنامه ریزی شده ای فلج نمایند. اقتصاد ایران و سوریه بایستی آگاهانه به بحرانی عمیق کشانده شود، تعداد بیکاران آنها افزایش گیرد و تأمینات اجتماعی به شدت تنزل یابد. تضادهای اجتماعی داخلی بایستی رنگ قومی گرفته و دامن زده شوند و بایستی آتش جنگ داخلی برافروخته گردد تا بهانه ای برای دخالت نظامی که مدتهاست برنامه ریزی شده، به دست آید. در این تحریم علیه ایران و سوریه دولت آلمان به طور تعیین کننده ای سهیم است.

ما تمامی شهروندان، کلیساها، احزاب، سندیکاها، کارگری و جنبش صلح را فرا می خوانیم تا در مقابل این سیاست جنگی قاطعانه بایستند. ما از دولت آلمان می خواهیم که:

- تحریم های علیه ایران و سوریه را بدون هرگونه قید و شرط و فوراً لغو نماید.
- روشن کند که در جنگ علیه این کشورها به هیچ شکلی شرکت نکرده و نیز به آمریکا و ناتو اجازه استفاده از تاسیسات آلمانی را برای این تجاوز نخواهد داد.
- در سطح بین المللی برای پایان دادن به سیاست فشار و تهدید جنگی علیه ایران و سوریه تلاش و اقدام نماید.

مردم ایران و سوریه این حق را دارند که برای شکل دادن به نظام سیاسی و اجتماعی خویش تنها و مستقلاً تصمیم گیری نمایند. حفظ صلح ایجاب می کند که اصل عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها به طور قاطعانه مراعات گردد."

مسئول این فراخوان از نظر قانون مطبوعات: Bernd Duschner

**ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی برانداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.**

**احمد قره باغی****قسمت دوم - سیاست و مشی حزب توده ایران در مرحله کنونی**

در بحث پیرامون سیاست و مشی مردمی و اصولی حزب توده ایران، ما کوشیده ایم خلاصه و چکیده مشی حزب و نکاتی از برنامه حزب را بیان کنیم تا همه نیروهای ملی و دموکراتیک به مضمون برنامه حزب توده ایران پی ببرند. برای تعیین مشی اصولی در قبال جنبش دموکراتیک و ضد استبدادی مردم میهن ما که در جامعه در جریان است، کشف و درک ماهیت جنبش، نقش و رفتار سیاسی هر یک از طبقات و قشرهای اجتماعی در جنبش، تحلیل دقیق علمی از تحول اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور و جهان و نتیجه گیری از آن و قرار دادن این ارزیابی در پایه سیاست و مشی حزب اهمیت فراوان دارد.

بر این مبنا اسناد برنامه ای حزب ما و خط مشی سیاسی مرتبط با آن خطوط اصلی کار و فعالیت حزب ما را برای حل معضلات و مشکلات اجتماعی ایران ترسیم کرده است.

در این مجموعه اسناد و مدارک مهم حزبی که حاصل کاربرد خلاق مارکسیسم-لنینیسم و متناسب با تکامل جامعه ایران و مراحل و امکانات رشد آن است. با توجه به ویژگی شرایط مشخص تاریخی، اشکال و شیوه های مبارزه بسته به شرایط متفاوت به منظور تشکل و سازماندهی توده ها، با برنامه روشن برای تحول بنیادی در جامعه، شعارهای دموکراتیک، انجام وظایف دورنزدیک حزب، شعارهای عمده تاکتیکی و استراتژیک، سیاست جبهه متحد با نیروهای ذینفع در جنبش و مراحل آن و لزوم ایجاد حکومت ملی و دموکراتیک تدوین و تنظیم شده است.

اسناد رسمی حزب ما ضمن اینکه پایه اجتماعی-اقتصادی جنبش انقلابی میهن مان را برای دگرگونی های اساسی توصیف می نماید. توجه به مبارزه طبقات ذینفع در مرحله تحول را که برای نیل به پیروزی های معین به عمل می آید معطوف می دارد و وظایف حزب طبقه کارگر را در جهت رشد شناخت افشار توده های زحمتکش در قبال تحول در درون جامعه در درجه اول اهمیت قرار می دهد.

نگاه کنید به اسناد و دیدگاهها و اسناد رسمی حزب در طی سال های 57-60، اسناد کنفرانس ملی و برنامه حزب توده ایران سومین کنگره حزب و برنامه های بعدی که از طرف حزب ما منتشر شده است.

حزب توده ایران با توجه به مراحل گذار انقلابی با در نظر گرفتن قانونمندی های عمده روند انقلاب ملی و دموکراتیک و مسئله تداوم و تثبیت و تحکیم و گذار آن از مراحل گوناگون برای رساندن انقلاب به هدف نهایی با تحلیل های علمی که بیانگر مرحله معینی از شرایط سیاسی کشور است، در اسناد هفدهمین پلنوم عرضه داشته است.

همانطور که در اسناد برنامه ای حزب ما در مسئله انقلاب، اهداف و مراحل آن تصریح گردیده است. حزب طبقه کارگر برای انجام وظایف انقلاب که از چه مرحله ای باید بگذرد. با درک مضمون و ماهیت این مراحل است که در راه اجرای هدف های ملی و دموکراتیک و رابطه و تناسب درست میان وظایف دور سوسیالیستی و نزدیک خود مبارزه می کند.

در مورد سرانجام انقلاب 57 و اهداف آن، ما در صدد نیستیم که در اینجا همه عوامل شکست انقلاب را بررسی کنیم. اما درباره اهداف انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی مردم میهن ما به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

چنانکه دیدیم در کشور ما انقلاب بهمن 57 به سبب خیانت سران مرتجع رژیم، روحانیون حاکم و گروه ها و دارودسته های مذهبی در حاکمیت و در رأس آنها خمینی با شکست و ناکامی روبرو شد و به اهداف دست نیافت. در نتیجه تحقق اهداف شکست خورده انقلاب در برابر جنبش انقلابی آینده ایران قرار دارد.

عناصر عمده این اهداف که در مقابل مرحله کنونی تکامل جامعه ایران قرار دارد عبارتند از:

- پایان دادن به نظام استبداد مذهبی "ولایت فقیه"
- تأمین حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی
- لزوم انجام دگرگونی های بنیادی در نظام غارتگر اقتصادی و اجتماعی کشور به سود توده های زحمتکش و محروم جامعه
- تلاش برای پایان دادن به هرگونه وابستگی کشور به انحصارهای امپریالیستی
- تأمین استقلال ملی برای ترقی و پیشرفت اجتماعی
- اجرای اصلاحات ارضی و ملی کردن تجارت خارجی
- تأمین حقوق خلق های ساکن سرزمین ایران
- درپیش گرفتن یک سیاست خارجی بر پایه عدم تعهد که تضمین کننده منافع و استقلال ملی میهن ما باشد.

اینها هستند نکاتی درباره اهداف انقلاب ایران که تذکر آنها را در ارتباط با موضوع بحث لازم دیدیم.

**وظایف حزب ما در مرحله جنبش دموکراتیک و ضد****استبدادی کنونی کشور ما**

در مرحله جنبش دموکراتیک و ضد استبدادی کشور ما، انجام وظایف دموکراتیک به منظور دستیابی به هدفهای نزدیک تاکتیکی که عبارت است از، مبارزه در راه آزادی های دموکراتیک از طریق افشاگری های سیاسی، سازماندهی نیروهای مبارز ضد رژیم و تجهیز توده ها و تلاش برای تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری با احزاب و سازمان های آزادی خواه و ضد استبدادی در جهت براندازی رژیم استبداد "ولایت فقیه" عمده ترین وظایف نزدیک حزب ما هستند.

در این مرحله تنها نیرویی که قادر است رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" را در هم شکند توده مردم یعنی کارگران و زحمتکشان می باشند.

جبهه ضد دیکتاتوری از احزاب آزادی خواه و مترقی به عنوان ستاد رهبری کننده جنبش انقلابی می تواند به پیروزی بر رژیم نیل گردد که در این مرحله از مبارزه حکم نخستین گام را دارد و پس از آن باید گام دوم را برای تشکیل جبهه متحد خلق برداشت و زمینه را برای تعمیم و تحکیم دستاوردهای جنبش انقلابی مهیا نمود.

## مبارزه در راه آزادی و دموکراسی و طرد رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" در لحظه کنونی

در این مرحله حزب توده ایران مبارزه در راه آزادی و دموکراسی و براندازی رژیم "ولایت فقیه" را در مرکز اهداف خود قرار داده و تضاد عمده جامعه ما را رژیم استبدادی "ولایت فقیه" ارزیابی می کند.

رژیم "ولایت فقیه" سد عمده بازدارنده رشد اجتماعی-اقتصادی کشور ماست.

بهمین دلیل مسئله استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی در ارتباط مستقیم با براندازی رژیم استبداد مذهبی قرار می گیرد و ضرورت براندازی رژیم خودکامه مذهبی و طرد حاکمیت ضدخلق آن یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و در رأس آنها روحانیون حاکم را وظیفه مبرم خود و شرط اصلی دستیابی به آزادی و دموکراسی و ایجاد جو فعال و سالم برای تکامل جامعه می شمارد.

در شرایط کنونی وجود رژیم ترور و اختناق در کشور ما مانع اساسی در راه فعالیت احزاب و اتحادیه ها و مطبوعات و انتخابات و تظاهرات است. در چنین شرایطی که اثری از کوچکترین آزادی در کشور نیست و حکومت خودکامه مذهبی علیه هر نیروی مخالف و دگراندیش دست به اقدام سرکوبگرانه می زند و امکان حل مسالمت آمیز مسایل اجتماعی را خود رژیم بدست خود از میان برده است.

حزب ما در راه ضرورت برانداختن و برچیدن بساط رژیم خودکامه مذهبی مبارزه می کند.

طرح شعار براندازی رژیم "ولایت فقیه" فقط یک شعار تاکتیکی و یا مرحله ای است برای دستیابی به هدف استراتژیک در لحظه کنونی.

در راه مبارزه برای براندازی رژیم استبدادی- مذهبی حاکم حزب توده ایران از همه اشکال و شیوه های مبارزه، از همه امکانات و بسیج همه نیروها برای پایان دادن به رژیم "ولایت فقیه" استفاده می کند.

در حال حاضر فعالیت حزب توده ایران در شرایط مخفی فعالیت در داخل کشور غیر علنی است. حزب ما که در شرایط کاملاً مخفی فعالیت می کند در زمینه کار سازمانی به اصل عدم تمرکز سازمانی در شرایط کنونی ایران معتقد است و آن را در فعالیت سیاسی - سازمانی خود مد نظر دارد.

در عرصه کار سازمانی در شرایط ترور و اختناق حاکم در داخل کشور، مبارزان توده ای با درک شرایط حساس کشور باید در هسته های حزبی متشکل شوند و با کار سازمانی منطبق با شرایط ایران از طریق وسایل علنی و مخفی و یا تلفیق آنها در اشکال مختلف برای مبارزه علیه رژیم باید بهره گیری کرد.

بدینسان استراتژی مورد نظر برنامه حزب ما براندازی رژیم خودکامه مذهبی "ولایت فقیه" را شرط نخست پیشرفت و تکامل جامعه ایران می داند.

در مرحله کنونی شعار عمده حزب ما عبارت است از آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی، برای رسیدن به این اهداف اتحاد احزاب و سازمان های آزادی خواه و دموکراتیک در جبهه واحد ضد دیکتاتوری با برنامه مشترک برای سازماندهی توده ها علیه رژیم ارتجاعی حاکم اهمیت

زیادی دارد و زمینه را برای حصول به این اهداف و ایجاد حکومت ملی و دموکراتیک متکی بر اراده واقعی مردم آماده می کند.

البته در شرایط تغییریابنده طبعاً راه وقوع انقلاب و شکل آن نیز تغییر خواهد کرد و انقلاب بدلیل شرایط اجتماعی- اقتصادی معین کشور ما به همان شکل گذشته آن نخواهد بود.

پس از سرنگون کردن حاکمیت رژیم ارتجاعی "ولایت فقیه" دولت انقلابی دموکراتیک برآمده از انقلاب مسئولیت اداره امور کشور را بعهده خواهد گرفت. و در وهله نخست باید مسایل عام دموکراتیک را حل کند.

بهمین منظور دولت انقلابی باید برای دگرگون ساختن ماشین دولتی کهنه و ایجاد ساختار جدید دولتی کوشش مجدانه ای بعمل آورد و تدوین قانون اساسی نوین با مضمون نفی حکومت تئوکراتیک- استبدادی و جدایی دین از حکومت، را طرح کند.

### وظایف حزب ما در مرحله پیروزی انقلاب دموکراتیک (اهداف استراتژیک)

در اسناد رسمی و برنامه حزب توده ایران پس از پیروزی جنبش انقلابی بر رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه"، ضرورت استقلال ملی و رهایی کشور از وابستگی اقتصادی و صنعتی به انحصارهای امپریالیستی و حل مبرم ترین مسایل اجتماعی مانند پایان دادن به غارتگری بزرگ مالکان و اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین و کوتاه کردن دست تجار بزرگ غارتگر از راه ملی کردن تجارت خارجی و تأمین آزادی های دموکراتیک در جامعه و انجام دگرگونی های بنیادی در زندگی اجتماعی- اقتصادی کشور، برای پیشرفت اجتماعی تأکید شده است.

انجام این وظایف با در نظر گرفتن ویژگی های عمومی مراحل مختلف و آرایش نیروهای محرکه در روند انقلاب اهمیت بسزایی دارد. چون که پس از پیروزی انقلاب در جریان تداوم آن یعنی گذار از مرحله ای به مرحله دیگر، در پیوند با منافع گروه های اجتماعی و تشدید مبارزه طبقاتی در مراحل مختلف دوران گذار از یک مرحله مبارزه به مرحله دیگر، تغییرات ماهوی در صورتبندی نیروهای متحد طبقه کارگر بوجود می آید و مسئله متحدان طبقه کارگر بصورت تازه ای مطرح می شود.

بهمین سبب اهداف و وظایف مشخص حزب ما برای انجام تحول بنیادی در مرحله مبارزه در راه پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک عبارت است از ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق از اتحاد احزاب و سازمان های مترقی و انقلابی که بیانگر منافع طبقات و قشرهای گوناگون خلق هستند.

### مبارزان توده ای!

کشور ما در شرایط حساس و وضع فوق العاده ای قرار دارد. در این اوضاع متلاطم برای پیشبرد امر توده مردم در هسته های حزبی متشکل شوید.

هدف های دموکراتیک لزوم ایجاد حکومت ملی و دموکراتیک با شرکت احزاب و سازمان های مترقی و دموکراتیک و تشکیل دهنده جبهه ضد دیکتاتوری و ذینفع در مرحله تحول دموکراتیک به حکم منطق و از لحاظ اصولی ضروریست. ایجاد حکومت ملی دموکراتیک برای به پیروزی رساندن کامل انقلاب ملی و دموکراتیک است. این حکومت و یا دولت ملی زمانی مفهوم پیدا می کند که اتحادی از نیروهای دموکرات علیه نظام حاکم موجود باشد.

این است خطوط اساسی برنامه حزب ما در زمینه فعالیت سیاسی که در این چارچوب ما مسایل ایران را در لحظه کنونی مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهیم.

### در ایران در نتیجه تشدید تحریم اقتصادی احتمال وقوع چه رویدادهایی وجود دارد؟

در حالی که کشور ما دچار بحران عمیق ساختاری است، تولید صنعتی و کشاورزی ما در ابتدایی ترین سطح قرار دارد، مسایل و معضلات اجتماعی مانند فقر و بیکاری، گرانی و بی خانمانی دامنگیر دهها میلیون ایرانی هرچه بیشتر می شود و فساد گسترده ای جامعه را فرا گرفته است و اختلاف میان جناح های حاکم مانند خوره رژیم را از درون می خورد و رژیم "ولایت فقیه" فاقد ثبات سیاسی است، در چنین اوضاع و احوالی سران رژیم با ادامه غنی سازی اورانیوم در برابر اجرای قطعنامه های آژانس بین المللی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل سماجت می کنند، این شیوه عمل بعثت خصیصه قشری گری روحانیون حاکم است که با عدم درک مسئولیت برای رسیدن به اهداف ماجراجویانه خود عملاً در سمت گیری مخالف نسبت به لزوم اجرای قطعنامه های آژانس بین المللی اتمی و شورای امنیت در لحظه کنونی قرار گرفته اند. محافل ارتجاعی حاکم برای دستیابی به سلاح هسته ای که هدف آن تأمین امنیت و حفظ منافع حاکمیت رژیم است، برای رسیدن به این هدف تلاش می کنند. آنها برای جلوگیری از صدور نفت ایران اندیشه بستن آبراه "تنگه هرمز" در خلیج فارس را در مخیله بیمار خود می پروراندند و در برخورد با تحریم نفت و عدم دستیابی به دلارهای نفتی موضوع عدم امنیت خلیج فارس را برای عبور کشتی های نفت کش به شیخ نشین های عربی مطرح می کنند. آنها به عواقب این گونه برخوردها توجه ندارند و آن را درک نمی کنند، در نتیجه محافل امپریالیستی از این برخوردها بهره کامل می برند.

عاملی که محافل حاکمه ارتجاعی را به چنین ماجراجویی تشویق می کند، چنان که گفتیم همانا قشری گری و عدم درک آنها از هرگونه منطق سیاسی است. در این ارتباط باید یادآور شد، امپریالیسم آمریکا نیروی نظامی عظیمی را در منطقه متمرکز کرده است، علاوه بر نیروهای بزرگ مستقر در پایگاه های نظامی در قطر، بحرین، عمان، عربستان سعودی، کویت اکنون ناوگان پنجم آمریکا در آبهای خلیج فارس مشغول گشت زنی هستند.

هدف نیروهای نظامی آمریکا بگفته مقامات آمریکایی عبارت است از تأمین منافع اقتصادی آن کشور و از جمله دستیابی به مواد خام و اولیه و مانع جلوگیری از صدور نفت و گاز از منطقه خلیج فارس است که صنایع کشورهای اروپایی و ژاپن به آن وابسته است.

برای انجام دگرگونی های جامعه و حفظ دستاوردهای انقلاب از توطئه و دستبرد دشمنان انقلاب، تداوم و تأمین مراحل مختلف روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در جهت پایان دادن به سیادت کلان سرمایه داران و بزرگ ملاکان راه دستیابی به آماج های انقلاب ملی و دموکراتیک است و تحقق هدف های مشترک نیروهای محرکه انقلاب ملی و دموکراتیک را فراهم می کند.

چنین است بطور خلاصه خطوط اساسی برنامه و مثنی سیاسی حزب ما که انعکاس درست مرحله کنونی تکامل جامعه ایران است. پرسشی که برای بحث کنونی طرح آن ضروریست این است که آیا در جنبش انقلابی میهن ما برای برانداختن رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" و طرد حاکمیت روحانیون و کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران و تجار غارتگر که تکیه گاه اصلی رژیم را تشکیل می دهند، باید در راه ایجاد حکومت دموکراتیک مبارزه کرد و یا اینکه بر پایه سیاست و مثنی رفرمیستی محافل سازشکار مدعی حزب ما برای خوشایند نمایندگان طبقات حاکمه ارتجاعی کلان سرمایه دار و بزرگ زمین دار برنامه ارضی حزب توده ایران درباره مسئله زمین و انجام اصلاحات ارضی در کشور را منتفی شده تبلیغ کرد و جانب يك جناح از بورژوازی بزرگ وابسته را در حاکمیت گرفت تا قدرت حاکمه در رژیم یک دست نشود و در انتخابات فرمایشی رژیم از آنها حمایت کرد و به این مقصود خواستار تشکیل جبهه با آنها گردید؟

برنامه حزب توده ایران مصوب سومین کنگره در زمینه فعالیت سیاسی سمت گیری عمده فعالیت حزب را تعیین کرده است. بر اساس این سمت گیری اصولی در مرحله کنونی مبارزه در راه رسیدن به هدف های آزادی و دموکراسی، رژیم استبدادی "ولایت فقیه" باید طرد شود. حزب توده ایران از لحاظ تئوری مسئله براندازی رژیم "ولایت فقیه" و خاتمه دادن به سلطه بورژوازی بزرگ وابسته را در برنامه خود اعلام داشته است و در شرایط و موقعیت سیاسی کشور ما ضرورت براندازی رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" و کوشش در جهت رسیدن به این هدف و تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری و لزوم ایجاد يك حکومت ملی و دموکراتیک برآمده از جنبش ضد استبدادی و دموکراتیک مردم میهن ما را شرط عمده نجات ایران از بحران عمیق اجتماعی-اقتصادی و پایان دادن به وابستگی اقتصادی کشور به انحصارهای امپریالیستی ارزیابی می کند که بحکم شرایط موجود و بنا بر جریان عینی تکامل اجتماعی دارای اهمیت جدی سیاسی می باشند.

بدون تردید دستیابی به آزادی و دموکراسی و تأمین حقوق آزادی های فردی و اجتماعی در کشور ما لازمه اش خاتمه دادن به رژیم قرون وسطایی "ولایت فقیه" و استقرار يك حکومت ملی و دموکراتیک بجای آن است.

با توجه به شرایط موجود عینی حاکم بر جامعه ما در حال حاضر وجود جبهه واحد ضد دیکتاتوری با شرکت احزاب و سازمان های مترقی و دموکراتیک با برنامه مشترک برای سازماندهی توده ها و جهت مشخص دادن به مبارزه آنها به مثابه عامل ذهنی جنبش اهمیت حیاتی دارد.

تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری از احزاب و سازمان های مترقی و دموکراتیک برای رهبری جنبش دموکراتیک است. و اما این جبهه می تواند به ایجاد حکومت ملی و دموکراتیک فرا رود. در مرحله تحقق

بزرگ وابسته زیر پوشش "جنبش سبز" و لیبرال ها و از سوی دیگر نیروی وسیع مردم زحمتکش و نیروهای خلقی و مردمی و ترقی خواه را دربرمی گیرد.

در زمینه برخورد با نظام غارتگر اجتماعی- اقتصادی حاکم بر کشور ما و ضرورت طرد حاکمیت رژیم "ولایت فقیه"، از صحنه سیاسی کشور ما، در شرایط کنونی دو خط مشی سیاسی و به تبعیت از آن دو سمت گیری و دو موضع گیری سیاسی وجود دارد.

یکی خط مشی لیبرالی است که ضرورت براندازی و طرد حاکمیت رژیم یعنی حاکمیت طبقات ارتجاعی بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و تغییر مناسبات موجود در جامعه را نمی پذیرد و دیگری خط مشی اصولی و سمت گیری مردمی و خلقی و ضد غارتگری حزب توده ایران برای دستیابی به عدالت اجتماعی است.

نمایندگان طبقات و اقشار مرفه و استثمارگر که درسطوربالا آنها را ذکر کردیم به انضمام سازشکاران و کارگزاران امپریالیسم در داخل کشور، هواداران رژیم سلطنتی، مرتجعین و پشتیبانان رژیم "ولایت فقیه"، سرمایه داران و ملاکان، تجار بزرگ و بازرگانان و همه غارتگران در شهر و روستا، به هیچوجه مایل به طرد سلطه بورژوازی بزرگ و بزرگ مالکی، پایگاه بالقوه امپریالیسم از صحنه سیاسی کشور ما نیستند و می کوشند مناسبات منحن سرمایه داری موجود را در چارچوب تأمین منافع سودجویانه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان نگه دارند.

این نیروها در برخورد با نظام غارتگر سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی، از حاکمیت کنونی ایران یعنی طبقات حاکمه ارتجاعی بزرگ مالک و کلان سرمایه داران حمایت می کنند و در مواضع مخالف با نیروهای خلقی مردمی و مترقی قرار دارند.

بورژوازی لیبرال که تکیه گاه اجتماعی عقاید لیبرالی و هواداران رفرمیسم است می کوشد مناسبات فلاکت بار و سلطه غارتگرانه سرمایه داری و بزرگ مالکی در ایران پا بر جا باشد و قدرت در دست بورژوازی باشد تا به دست توده مردم انقلابی یعنی کارگران و زحمتکشان نیفتد.

در برابر حامیان نظام سرمایه داری وابسته به انحصارهای امپریالیستی و حفظ منافع طبقات حاکمه وابسته درکشورما، هواداران دگرگونی های اجتماعی و نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی و خلقی قرار دارند که خواستار خلع ید از طبقات حاکمه ارتجاعی بزرگ ملاکان و تجاربزرگ غارتگر و کلان سرمایه داران، انجام دگرگونی های بنیادی به سود محرومان جامعه و تأمین استقلال ملی میهن ما ایران با تکیه به نیروی لایزال خلق زحمتکش هستند. و اما در زمینه عدم درک و برداشت نادرست از محتوای اساسی رژیم یعنی اصل "ولایت فقیه" که حزب توده ایران از همان نخست با آن به معنای نفی حاکمیت خلق مخالف بود و نیز مخالف است، باید گفت نیروهایی هستند که زیر پوشش و ماسک هواداری از حزب ما به نام های "راه توده"، "پیک نت"، "عدالت" مدعی هوادار سوسیالیسم علمی و نشریه کنونی "نامه مردم"،

با توجه به اینکه دست زدن به چنین اقدام ماجراجویانه ای می تواند پیامد فاجعه باری برای توده مردم میهن ما در برداشته باشد، در عین حال مردم نگران عواقب این سیاست مرتجعین حاکم هستند.

موضع حزب توده ایران در ارتباط با برنامه هسته ای رژیم، پایان دادن به غنی سازی اورانیوم براساس اجرای قطعنامه های آژانس بین المللی اتمی سازمان ملل است که می تواند زمینه را برای کاهش تنش و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه فراهم کند. با این وجود با در نظر گرفتن شرایط تغییر محسوس تناسب قوا در صحنه بین المللی، کاملاً می توان پیش بینی کرد با گسترش تحریم اقتصادی و دادوستدهای مالی و پولی، فنی و بازرگانی، علیه رژیم و به موازات وابستگی اقتصادی و صنعتی کشور ما به بازار سرمایه داری جهانی و انحصارهای امپریالیستی و در شرایطی که کشور ما دچار بحران شدید اجتماعی و اقتصادی است ادامه بحران در شرایط دشوار تحریم اقتصادی روزبروز رژیم را ضعیف و ناتوان خواهد ساخت میهن ما وارد مرحله حساس و دشواری می شود.

با توجه به ادامه چنین روندی که در آینده با شدتی بیشتر و دامنه ای پهناورتر ادامه پیدا خواهد کرد و جلوگیری از این روند در دراز مدت برای رژیم ممکن نیست، روحانیون حاکم چاره ای جز پذیرش قطعنامه ها ندارند. بدون تردید می توان گفت عدم پذیرش قطعنامه ها از جانب سران رژیم به فروپاشی رژیم منجر خواهد شد.

در چنین وضعیتی در صورتی که احزاب و سازمان های مترقی و شخصیت های مخالف اصل "ولایت فقیه" در کشور ما نتوانند جبهه مشترک ضد رژیم خودکامه "ولایت فقیه" را بوجود آورند تا همه نیروهای خلق را در برابر نقشه امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن تجهیز نمایند. احتمال مستقر ساختن رژیم دست نشانده امپریالیسم بر اریکه قدرت در کشور ما منتفی نیست.

ما نمونه این سیاست و شگرد های محافل امپریالیستی را برای تسلط بر کشورهای در حال رشد از جمله در لیبی شاهد بودیم و اکنون شاهد دسائس و توطئه های امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی عرب و منطقه مانند عربستان سعودی و ترکیه علیه سوریه هستیم که زیر فشار امپریالیست ها و ارتجاع منطقه قرار دارد.

در شرایط کنونی در میهن ما لزوم خاتمه دادن و طرد رژیم استبدادی "ولایت فقیه" به خواست توده مردم ستمدیده و زجر کشیده کشور ما و نیروهای مخالف رژیم استبدادی و حتی امپریالیسم جهانی مبدل شده است.

در این ارتباط باید موضع گیری نیروهای مخالف رژیم و نیز محافل امپریالیستی را که از لحاظ عینی در طیف مخالفان رژیم قرار دارند و در عین حال هدف آنها در مخالفت با رژیم با اپوزیسیون مخالف رژیم همسو گردیده است را مورد بررسی قرار می دهیم.

نیروهای مخالف رژیم استبدادی "ولایت فقیه" از طیف وسیع و رنگارنگی به وجود آمده است که مجموع آنها در یک خواست اشتراک نظر دارند و آن پایان بخشیدن به حاکمیت روحانیون قشری از قدرت حاکم است.

این طیف نیروها از یکسو حامیان سرمایه داری وابسته مانند وابستگان رژیم گذشته، محافل و گروه های اصلاح طلب و نمایندگان بورژوازی

### رفقا و دوستان گرامی!

به پخش "مردم" نشریه حزب توده ایران زبان بی بند  
توده ها یاری رسانید.

چنانکه سرشت اوست در پیوند با ملاکین و ارتجاع و امپریالیسم راه تکامل جامعه ما را به جلو سد کرده اند. تحقق اهداف انقلاب در ظرفیت نیروهای وابسته به اقلیت و طبقات بورژوازی و خرده بورژوازی نیست به همین منظور حزب ما برای تحقق آماج های انقلاب، جبهه متحد خلق را برای تعمیم و تعمیق اهداف انقلاب بهمن 57 پیشنهاد می کرد.

طبق چنین تصویری که رهبران "جنبش سبز" می توانند تمام اهداف انقلاب را انجام دهند، پس مبارزه در راه تحقق دو شعار عمده یعنی "تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری و استقرار حکومت ملی و دموکراتیک"، قید شده در برنامه حزب ما دیگر معنایی ندارد.

همین جاست که فوراً ماهیت مشی لیبرالی و فعالیت خرابکارانه عناصر سازشکار برملا می شود و دم خروس از زیر قبای آنها نمایان می گردد. روشنفکران خرده بورژوا که اعتقادی به نقش توده مردم و طبقه کارگر در جنبش انقلابی ندارند، انقلاب اجتماعی را به صورت اقدامی ارادی مجسم می کنند و اندیشه و عمل توده ها را تابع نظرات خود می دانند. با اینکه انقلاب ملی و دموکراتیک جنبه دموکراتیک دارد و آن هم هنگامی که صحبت بر سر این مسئله است که جنبش انقلابی توده ها از نقطه نظر دموکراتیک باید رهبری شود و یک جبهه واحد با برنامه مشترک از همه نیروهای مدافع آزادی های عام دموکراتیک علیه دیکتاتوری رژیم "ولایت فقیه" ایجاد گردد و اختلاف بین شعارهای دموکراتیک پیشرو و شعارهای سازشکارانه توضیح داده شود و همچنین اختلاف بین مشی مردمی و انقلابی و وظایف مبارزه انقلابی حزب طبقه کارگر و مشی لیبرالی محافل بورژوازی نشان داده شود تا این که جنبش انقلابی توده ها به پیروزی واقعی علیه رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" منجر شود و رژیم خودکامه مذهبی "ولایت فقیه" طرد گردد، سازشکاران با نیروهای خیانتکار به اهداف انقلاب بهمن 57 متحد می شوند تا نمایندگان بخشی از سرمایه داری وابسته را در صحنه سیاست کشور حاکم گردانند.

حزب ما در اسناد خود نمی آموزد که دست روی دست گذاشته و رهبری را در جنبش انقلابی به بورژوازی واگذار کنید. بلکه بالعکس می آموزد باید متحدین طبقاتی خود را بیابید آنها را متشکل و رهبری کنید و در جریان مبارزه بی امان و افشاگری سیاسی بر ضد ارتجاع و امپریالیسم و سیاست نواستعماری آن برای رساندن جنبش انقلابی به هدف نهایی آن به قطعی ترین وجهی مبارزه نمایید و اقلیت زحمتکش خلق ذینفع در مرحله جنبش دموکراتیک و ضد استبدادی را در جریان تحول آینده به سطح عناصر دموکرات ارتقاء دهیم نه اینکه خود در سطح بورژوازی تنزل کنیم.

خوشبختانه ریشه اختلاف اصولی بین تاکتیک و مشی اصولی و علمی حزب توده ایران و تاکتیک و مشی رفرمیستی جریان انحرافی زیر نام حزب توده ایران کاملاً هویدا شده است و دیگر کمتر کسی گول این سفسطه ها را می خورد.

چنین است ماهیت این دو خط مشی سیاسی در وضعیت سیاسی میهن ما در لحظه کنونی، که به قول شاعر:

میان ماه من و ماه گریون تفاوت از زمین تا آسمان است

شهریور ماه 1390

برای سردرگمی در میان نیروهای چپ با شعار طرد رژیم "ولایت فقیه" مخالف هستند و با در پیش گرفتن سیاست رفرمیستی دنباله روی از سرمایه داری بزرگ وابسته و اقدام عملی شرکت در انتخابات فرمایشی رژیم در واقع ضرورت پایان دادن به حاکمیت رژیم را زیر علامت سوال می برند. علیرغم این تلاش زینبار حزب ما خواهان طرد رژیم "ولایت فقیه" و پایان دادن به سلطه روحانیون حاکم و خلع ید از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان برای ترقی و پیشرفت اجتماعی در جهت تأمین آزادی و دگرگونی های اجتماعی به سود محرومان جامعه در کشور ماست.

این است تفاوت اساسی برداشت حزب ما مربوط به اصل "ولایت فقیه" با برداشت دیگر گروه ها که اصل "ولایت فقیه" را که در تضاد آشکار با رشد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور ماست درک نکرده اند.

در زمینه مخالفت امپریالیست ها با حاکمیت کنونی ایران، این پدیده، در صحنه جهانی به ویژه در مخالفت با برنامه اتمی رژیم نیز به چشم می خورد که دنبال کردن یک چنین برنامه ماجراجویانه ای از جانب سران رژیم می تواند تبعات غیرقابل پیش بینی برای مردم میهن ما به همراه داشته باشد. حزب توده ایران در برنامه برای تحول بنیادی جامعه ایران، بنا بر مشی انقلابی و اصولی خود ضرورت براندازی رژیم "ولایت فقیه" و طرد حاکمیت رژیم را برای دستیابی به عدالت اجتماعی و وظیفه مبرم حزب اعلام کرده است و برای حصول به این هدف خواستار تشکیل جبهه با نیرو های ملی و دموکراتیک در جهت براندازی حاکمیت ضد خلقی رژیم و ایجاد یک حکومت ملی و دموکراتیک با نیروهای ذینفع در این مرحله از تحول می باشد. و حال آن که محافل سازشکار زیر نام حزب توده ایران با پیروی از یک خط مشی اپورتونیستی و با استدلال ذهنی گرایانه در نشریه کنونی "نامه مردم" می نویسند: "رهبران جنبش کنونی ایران به نام جنبش سبز خواهان انجام تمام اهداف انقلاب ناتمام بهمن 57 هستند".

درباره کسانی که حل تضادها و معضلات اجتماعی را این طور ساده مطرح می کنند و شرایط عینی جامعه را قبول ندارند و مراحل گذار انقلابی برای دستیابی به هدف را نادیده می گیرند و حاضر به کار طولانی و مداوم سازماندهی و تشکل در میان توده ها نیستند، باید گفت در این ادعا صحبت بر سر نقش بورژوازی بزرگ وابسته در تناسب با سایر طبقات اجتماعی و در درجه اول در تناسب با طبقه کارگر میهن ما در رهبری انقلاب ملی و دموکراتیک ایران برای انجام اهداف انقلاب است.

سازشکاران رهبری بورژوازی بزرگ وابسته را عامل تغییر در جامعه به حساب می آورند. قصد آنها اعلام حمایت و هواداری از سرکردگی بورژوازی در رهبری جنبش انقلابی کشور ماست.

به نظر محافل سازشکار فقط رهبران "جنبش سبز" عامل ذهنی جنبش انقلابی ایران هستند. از این رو وظیفه کلیه احزاب و سازمان های مترقی و ملی ایران این است که تنها با تأمین سرکردگی رهبران "جنبش سبز" می توان به تمامی اهداف انقلاب ملی و دموکراتیک تحقق بخشید!!

این اظهار نظر گمراه کننده نقطه مقابل نظرات حزب ما درباره انقلاب است. واقعیات جامعه ما نشان داده است که طبقات و اقلیت بورژوازی

## از ایران چه خبر

هزینه های تولید در بخش کشاورزی و بی توجهی مسئولان به واردات محصولات کشاورزی است."

وی می افزاید: "توجه نکردن به دسترنج کشاورزان از دلالتی است که موجب دلسردی کشاورزان و فقدان رغبت آنها به تولید می شود. زمانی که کشاورز حامی نداشته باشد و تولید به میزان و قیمت مناسب عرضه نشود دستگاه های متولی از این خلأ استفاده کرده و راحت ترین کار را برای جبران نیاز مردم انجام می دهد!"

آقای نتاج می گوید: "حجم بالای واردات برنج در کشور ناشی از سیاست هایی است که به نفع کشاورز عمل نمی کند و تنها به دنبال منافعی است که از طریق واردات برای این مجموعه ها حاصل می شود."

نمی توان با این گفته موافقت نکرد. این واقعیت ها نشان می دهد که سیاست کشاورزی رژیم به ضرر دهقانان و به سود سرمایه بزرگ تجاری در زمینه واردات کالاهای کشاورزی است. تصادفی نیست که سالیانه صدها هزار دهقان ورشکست شده برای امرار معاش از روستاها به شهرها روی می آورند و به خیل عظیم بیکاران می پیوندند.

روزنامه "جمهوری اسلامی" در بخش سرویس خبر اقتصادی 1390-9-20 می نویسد:

"درآمد دولت های نهم و دهم، تنها از محل صادرات نفت خام، مالیات، خصوصی سازی و انتشار و فروش اوراق قرضه بالغ بر 720 میلیارد دلار بوده است."

روزنامه "جمهوری اسلامی" بر اساس آمار منتشر شده درآمد دولت را به ترتیب زیرین ارائه می دهد:

- کل درآمد صادرات نفت خام 550 میلیارد دلار
- از محل خصوصی سازی و واگذاری شرکت های دولتی 86،6 میلیارد دلار
- کل مالیات وصول شده 5،137 میلیارد دلار
- اوراق مشارکت 24 میلیارد دلار

با وجود اینکه در طول هفت سال از طریق فروش نفت خام 505 میلیارد دلار عاید دولت شده است ولی در شرایط کنونی ما شاهد ورشکستگی صنایع کشور هستیم.

چنانکه در ارقام فوق می بینید درآمد صادرات نفت بخش اساسی درآمد کل کشور را تشکیل می دهد که در تامین کل درآمد بودجه دولتی نقش تعیین کننده ای ایفا می کند. باید گفت کاهش درآمد رژیم از محل فروش نفت به علت تحریم اقتصادی در قبال برنامه غنی سازی اتمی سطح درآمد از نفت را کاهش خواهد داد و رژیم را با مشکلات عظیم اقتصادی و مالی روبرو خواهد ساخت. بدون تردید رژیم با کاهش درآمد قادر نخواهد بود چرخ های اقتصادی کشور را به حرکت درآورد. با در نظر گرفتن وابستگی کشور به بازار نفت، تضعیف اقتصادی در واقع رژیم را به فروریزی سوق خواهد داد و دیر یا زود روحانیون حاکم به سرنوشت رژیم شاه دچار می شوند.

## تشدید اختلاف ها در حاکمیت

در شرایط کنونی اختلاف ها میان دو جریان در حاکمیت به شکل حادی به صفحات جراید انتقال یافته است. سیاستی که جریان "آبادگران" وابسته به دولت احمدی نژاد در جهت دوستی و همکاری با ساواکی ها و وابستگان به رژیم شاه و عوامل آمریکا زیر پوشش دعوت از ایرانیان خارج از کشور برای نجات رژیم مذهبی "ولایت فقیه" در پیش گرفته بود در عین حال که با شکست مواجه شد از سویی موجب هرچه عمیق تر شدن اختلافات در میان جناح های گوناگون در حاکمیت مانند جناح اصول گرایان، جناح رسالت-حجتیه و گروه های هیئت مؤتلفه با جریان انحرافی معروف به جن گیرها و رمال ها شده و از سویی دیگر این نیروها در هرم حاکمیت، همدیگر را خنثی می کنند.

ما محتوای و ژرفای این اختلاف ها را که در مطبوعات کشور منتشر شده نقل می کنیم:

روزنامه "جمهوری اسلامی" در سرمقاله 1390-9-6 این اختلاف در میان گردانندگان چرخ های کشور را به عنوان ضعف سیاست و عملکرد دولت چنین توصیف می کند:

"بیش از 50 میلیارد دلار واردات رسمی، حدود 14 تا 19 میلیارد دلار واردات به صورت قاچاق نشانگر شرایط پیچیده و نگران کننده اقتصاد ایران در حوزه تجاری است."

افزایش حجم واردات به کشور طی سال های اخیر، شرایط نامناسب تولید در داخل کشور، از بین رفتن مزیت های تولید مانند انرژی ارزان "به علت قطع یارانه ها به مؤسسات کشاورزی و صنعتی"، عدم بهره مندی از کمک های وعده داده شده از سوی دولت به این مؤسسات برای بهره وری و دنبال کردن سیاست توزیع ارز سهمیه ای با قیمت دولتی در اختیار همگان، همه این عوامل را باید در حوزه سیاست های پولی کشور و در رانت رسمی، آشکار و قانونی جستجو کرد.

ملاحظه می کنید که چه آشفتگی و هرج و مرجی در نظام اقتصادی کشور وجود دارد. واردات 14 تا 19 میلیارد دلار اجناس به صورت قاچاق به کشور نشانگر آزادی عمل بی بندوبار باندهای مافیایی در حاکمیت رژیم است.

در مقاله ذکر شده میزان اقلام وارداتی طی نیمه نخست سال جاری در ایران را برنج، دانه ذرت دامی، روغن خام سویا، قطعات خودرو، گوشت منجمد، گوشی تلفن و شکر تشکیل می دهند که وضع اسفبار کشاورزی را در کشور نشان می دهد.

روزنامه اطلاعات 23 آذر ماه 1390 به نقل از گزارش فارس درباره برنج های هندی، پاکستانی، تایلندی و اروگوئه ای آلوده به فلزات سنگین که به خورد ملت داده می شود خبر می دهد:

حسین نتاج از مسئولان انجمن برنج ایران درباره عمده ترین مشکلی که موجب واردات برنج می شود می گوید: "عمده ترین مشکل افزایش

"دنیای اقتصاد" مورخ 23 آذر ماه 1390 خبر تخلفات دولت را منتشر ساخت و در این باره می نویسد:

"در گزارش کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی در مجلس چگونگی اجرای قانون هدفمندی یارانه ها و تخلفات دولت قرائت شد و پس از آن گزارش کمیسیون اصل 90 درباره اساسنامه سازمان هدفمندی یارانه ها برای رسیدگی به قوه قضائیه ارجاع شد. در این گزارش ده مورد تخلفات قانونی در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها بررسی شده است."

چنین برخوردی ماهیت اختلاف ها را میان جناح های رژیم در مجلس نشان می دهد. در حالیکه رژیم حاکم دچار بحران عمیق ساختاری است و در این میان صدها هزار میلیارد تومان نقدینگی درون کشور در اثر بی ثباتی سیاسی و رکود اقتصادی به سوی بازار طلا و سکه سرازیر شده و دولت بطور کامل تسلط خود را بر بازار سرمایه از دست داده در این شرایط با توجه به درآمد عظیم صادرات نفت در سالهای اخیر و ریختن این درآمد عظیم ارزی به چاه ویل هزینه های نظامی و برنامه های اتمی و پروژه های موشکی - نظامی خرید تسلیحات نظامی و کمک بی حساب و کتاب به جریانات اسلامی در لبنان، عراق، یمن و بحرین همه اینها بر بحران عمیق اقتصادی رژیم تأثیر می گذارد. در شرایط کنونی گردانندگان رژیم "ولایت فقیه" برای غلبه بر بحران اجتماعی - سیاسی راهی جز ادامه تشدید ترور و اختناق و قبضه کردن انحصاری حاکمیت در دست روحانیون قشری و نمایندگان سرمایه بزرگ تجاری و بزرگ زمین داران در جناح های حزب مؤتلفه اسلامی و جناح رسالت - حجتیه برای بیرون کردن جریان انحرافی مشهور به جن گیر و رمال ها از صحنه سیاسی کشور در پیش رو ندارد.

تلاشی که تضادهای سیاسی - اجتماعی درون جامعه را تشدید می کند و به تشدید بیش از پیش بحران سیاسی - اجتماعی کشور می انجامد.

بازتاب این تضادهای سیاسی - اجتماعی از يك سو در میان جناح های درون حاکمیت و از سوی دیگر در بین توده های مردم و سران رژیم و روحانیون حاکم به شکل حادی در شرایط بحران عمومی سیاسی بروز می کند. تضادی که در نهایت با برانداختن رژیم جنایتکار "ولایت فقیه" و استقرار حاکمیت ملی قابل حل است.

در شرایط کنونی ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری از همه نیروهای ملی و میهن پرست شرط اساسی برانداختن رژیم "ولایت فقیه" و تنها آلترناتیو ممکن می باشد. راه دیگری وجود ندارد. نمی توان در انتظار معجزه نشست. با توجه به تناسب جدید قوا در سطح جهانی از جمله هجوم 12

کشور عضو پیمان نظامی تجاوزکار "ناتو" به لیبی که به روشنی چهره پیمان نظامی "ناتو" را به جهانیان نشان داد، اقدام تجاوزکارانه ای که چین و روسیه را برحذر داشت تا به قطعنامه علیه سوریه در شورای امنیت رای منفی بدهند و اینکه رژیم "ولایت فقیه" با اصرار بر ادامه فعالیت غنی سازی اورانیوم و امتناع از اجرای 6 قطعنامه شورای حکام آژانس بین المللی اتمی و 4 قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، کشور را به سوی ورطه خطرناکی می کشاند. در این شرایط امر ایجاد جبهه مشترک ضد رژیم خودکامه "ولایت فقیه" به ضرورتی عاجل برای نجات میهن ما ایران که به سوی پرتگاه جنگ و فروپاشی سوق داده می شود مطرح می گردد. این تنها وظیفه ما نیست بلکه وظیفه تمامی نیروها و هر ایرانی میهن پرستی است که با هر روش و طرز تفرکی که دارند و به هر مسلكی که معتقدند در راه تجهیز و اتحاد نیروها برای مقابله با سیاست ماجراجویانه سران مرتجع رژیم و نجات میهن از سلطه روحانیون حاکم مبارزه کند.

این است واقعیتی که در لحظه کنونی در برابر ما قرار دارد.

ارانه این خبرها که از لا به لای نشریات داخل کشور برگرفته شده، فقط گوشه بسیار کوچکی از واقعیت درون کشور را بیان می کند. بدون تردید در این میان باید اختلاف مردم با سران حاکمیت رژیم را از اختلاف های موجود بین جناح های هیئت حاکمه جدا کرد. چون منافع خلق در تضاد آشکار با روبنای قرون وسطایی رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" قرار دارد و این تضاد فقط با برانداختن و طرد رژیم جنایتکار کنونی قابل حل است.